



## بررسی جایگاه و نقش مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری و شهرسازی

روح اله عشریه<sup>۱\*</sup>، مجتبی کووده حاتمیان<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل تبریز  
(Email: r.oshrieh@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل تبریز  
(Email: Mojtaba.hatamian2016@gmail.com)

### چکیده

اگر بخواهیم از گرایش پست مدرنیستی سخن بگوییم باید به ریشه یابی آن بپردازیم و سرمنشا این ریشه ها به رنسانس می رسد که پیش افتادن علم بر کلیسا و گفتار الهیست. این امر سبب آن شد که علم پیشروی نماید و همه به آن خوشبین گشتند و نگاه پوزیتیویستی بر عالم حاکم شد و جنبش مدرنیسم ظاهر گشت که در بسیاری موارد همچون بازسازی جنگ های جهانی به کمک انسان آمد. اما پس از آنکه در بسیاری از نقاط جهان، نگرش مدرنیسم رو به کمرنگ شدن نهاد، نگاه ها به تاریخ و فرهنگ گذشته بیشتر شد و جنبشی پدید آمد که پست مدرن نام گرفت. البته بسیاری، این نگرش جدید را اصلاح شده ی نگاه قبلی یعنی مدرن می دانند که با ایده هایی جدید دوباره مسیر خود را ادامه داده، هرچند عده ای هم بر مجزا بودن این دو نگاه با هم اصرار دارند. به هر روی آنچه مسلم است این دو نگاه با یکدیگر تشابهات و تضادهایی دارند. مدرنیته نو شدگی، نواندیشی و فرآیندی است کنه در آن طرز نگاه انسان به جهان و به خود متحول می شود. جرأت دانستن و فهمیدن یا نوعی احساس اصیل وجودی به او دست می دهد و به این نتیجه می رسد که باید مجدداً درباره جهان و انسان، مستقل از باورهای پیشین بیندیشد و دست به تجربه ها و آزمون های تازه بزند و یا نسبت وجودی تازه ای با هستی برقرار کند. فتح باب این روند در ایران، در عصر ناصرالدین شاه قاجار بود که بیشتر در مورد نگاه مدرن میان اندیشمندان تبادل نظر شد و عصر پهلوی اول که مدرنیسم به مرحله ی عمل رسید. در این پژوهش سعی بر آن است، تا با انجام مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، به بررسی جایگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری و شهرسازی بپردازیم تا نقاط مثبت و منفی آن آشکار شود.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، پست مدرن، معماری، شهرسازی، رنسانس.

### ۱. مقدمه

در باب زمان مطرح شدن مدرنیته میان مورخان و فلاسفه اختلاف است و هر کدام نظر خود را دارند اما بی شک این پدیده با رنسانس عجین شده و پیوندی ناگسستنی دارد؛ زیرا در این برهه بود که انسان به تفکری پرداخت که الهیات در آن جایی نداشت و تمام تلاش ها صورت می گرفت که از منظر علمی به پدیده ها پاسخ داده شود. مدرنیته و مدرنیسم با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند؛ اولی، برای اشاره به انطباق و سازگاری با فرایندهای تغییر از قبل مدرن به مدرن، و دومی برای اشاره به



خود این فرایندها به کار می رود. مدرنیزاسیون در تمام شاخه های فرعی علوم اجتماعی، در حکم مقول های عام و کلی برای انبوهی از فرایندها به کار می رود که باعث تغییر و تحول از ماقبل مدرن به مدرن می شوند یا با آنها ظاهر می شوند یا به دنبال چنین دگرگونی رخ می نمایند (گیننز، ۱۳۸۱). مدرنیسم یا تجدد گرایی، که چارچوب نظری تمدن جدید غرب را شکل داد، عبارت است از جریان حاکم بر تمدن جدید غرب در زمینه های فکری، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... که جدا از آموزه های دینی و با محور دانستن انسان و تکیه بر آزادی همه جانبه او و نیز اعتماد بر عقل بشری و اصالت دادن به فرد، در پی تحلیل همه امور اعم از طبیعی و ماورای طبیعی برآمده و با اندیشه نو کردن و تغییر همه جانبه زندگی انسان، دین، آداب، رسوم، سنت ها و هر آنچه را که در مقابلش واقع شود، نفی می کند. مهمترین و اصلی ترین ایدئولوژی غرب مدرن که اینک به جریان غالب و حاکم در اندیشه سیاسی و اجتماعی غرب تبدیل شده، لیبرالیسم است. لیبرالیسم از واژه Liber به معنای آزادی گرفته شده و هسته مرکزی و مفهوم بنیادین ایدئولوژی لیبرالیسم، آزادی است (بیرو، ۱۳۷۵). یکی دیگر از عناصر اصلی مدرنیته، اومانیسم به معنای «انسان سالاری» یا «بشرانگاری» یا اعتقاد به اصالت بشر در مقابل خدا است (زرشناس، ۱۳۸۳). از آنجا که اومانیسم رابطه انسان را با مبدأ و معاد قطع نموده و او را محصور در زندگی همین دنیا می بیند، لذا آنچه که این مبنا بر آن تأکید دارد و آن را اصیل می داند، رسیدن به همه خواسته ها و تمایلات نفسانی و فراهم نمودن زمینه لذت بیشتر انسان است. به این جهت است که، لذت گرایی در ذات اومانیسم واقع و بخش جدایی ناپذیر آن محسوب می شود.

جنبش معماری مدرن را نیز می توانیم یک جنبش انقلابی نام دهیم که تغییرات و تحولات زیادی را در فرهنگ گذشته موجب می شود. از دیگر خصوصیات متعدد معماری مدرن این بود که در ساختمان ها ماهیت مصالح ساختمانی مورد توجه قرار گرفت و این مصالح به صورت طبیعی خود، تا آنجا که ممکن بود دست نخورده و بدون پوشش و پرده در ساختمان به کار گرفته شدند، چون استفاده از تزئینات در معماری را کهنه پرستی و ظاهر سازی دانسته: چنین اعلام شد که به جلو آوردن ماهیت مصالح به صورت طبیعی برگزینای معماری می افزایشد. چنانکه لوکوربوزیه در دیوار نمای پشتی مدرسه های سنگ را به صورت طبیعی و عریان به کارگرفت و نیز از آثار او طرح کاخ شوراها در اتحاد جماهیر شوروی و ویلا ی ساووا و ... می توان نام برد (مزینی، ۱۳۷۶). طراحی شهری مدرنیستی، به کل شهر توجه می کرد، که این قضیه در پروژه های لوکوربوزیه و ساخت و سازهای متعاقب برنامه ریزی شهری، مشهود است. شهر را به روش انتزاعی از بالا می دیدند، به مثابه کلیتی در فضا که نیازمند نظام دهی و مدیریت بود. اما، طراحی شهری پست مدرن، به بخش های شهر توجه می کند. به مکان های مشهود و معنا و سرزندگی این مکان ها و در مخالفت با انتزاع ها و کلیت گرایی های مدرنیسم بحث می کند. نشان دهنده گذاری است از آوان گارد مدرنیستی که ترویج دهنده فرهنگ متعالی بودند، به تحلیل پست مدرنیست ها از فرهنگ عامه پسند.

با ظهور جنگ جهانی اول و دوم، امید به پیشرفت مطلق در پناه اندیشه مدرنیته مورد شک و تجدید نظر قرار گرفت و چون نتوانسته بود که اهداف مورد نظر و ارائه شده ی خود را تحقق بخشد لذا بحث درباره اندیشه های پسامدرنیستی شکل یافت. البته این نهضت دستاوردهای مهمی نظیر پیشرفت تکنولوژی و بهبود نسبی سطح رفاه را براس بشر ارمغان آورد ولی تمام این مسائل بدون توجه به گرایشات معنوی و بعد روحانی انسان بود. بحث درباره گرایشات پست مدرنیستی، به شکل نوین آن از اواخر دهه ی شصت میلادی، عمدتاً از فرانسه سربرآورد و از آن جا به سرزمین های دیگر گسترانده شد (ملاخیلی، ۱۳۹۴: ۱). در سال های ۱۹۸۰، دوران تاخت و تاز، رشد و در عین حال دگرگونی پست مدرنیسم آغاز شد؛ تا جایی که در اواخر این دهه، زنجیره ای از حرکات خلاق و جدید به وقوع پیوست، که به عناوین مختلف، پست مدرن خوانده می شدند؛ مانند پست مدرنیسم ساخت گرا، پست مدرنیسم محیط زیستی. در اندیشه های اولیه پست مدرن بازگشت به سنت و معماری گذشته به چشم می خورد اما این بازگشت به معنی تقلید نیست و تکرار معماری پیشین را نیز تایید نمی کند. بلکه توجه به ذات معانی و تاریخ مورد توجه و استفاده است. بومی گرایی نیز به معنای استفاده مطلق از معماری سنتی و شیوه های پیشین نیست بلکه

توجه به قابلیت های بستر معماری است. این اندیشه بعد از نهضت پست مدرن بسیار مورد توجه قرار گرفت. طراحی شهری پست مدرن، تاکید مدرنیستی بر خرد، نظم و هندسه را رد می کند و برای رسیدن به تنوع و تفاوت تقلا می کند. طراحی شهری پست مدرن به اختلاط کاربردهای زمین، برای سرزنده کردن به مکان های شهری، علاقه نشان می دهد، که این عمل در تعارض با تمایل مدرنیستی، به جدا کردن کاربردهای زمین در مناطقی از طریق سازمان دهی خردگرایانه است. طراحی شهری پست مدرن دارای سبکی گزینشی و اختلاطی است، و از دوره های تاریخی مختلف، مطالبی به وام می گیرد، و شهر را به مثابه کلیتی می بیند دارای پیوست تاریخی و مکانی، در حالی که طراحی مدرنیستی پیوندهایش را از گذشته می گسلد و فقط به آینده نگاه می کند.

## ۲. ریشه های پست مدرن

برای اولین بار در حدود ۱۸۷۰ واژه پست مدرن توسط چپمن بکار برده شد که از نقاشی پست مدرن در مقایسه با نقاشی امپرسیونیستی فرانسه، یاد کرد (قزلسقلی، ۱۳۷۶). پس از آن نیز عده ای این واژه را بدون پشتوانه ی فکری و فلسفی بکار بردند تا اینکه در سال های ۱۹۷۰ میلادی فلاسفه ای همچون دریدا، فوکالت و لیوتارد، مدرنیسم را به چالش کشیدند و ادبیات جدید فکری از اندیشه های آنان و دیگرانی چون فوکو پدید آمد. نیچه، هایدیگر فروید و هوسرل نیز به عنوان نیاکان پست مدرنیسم به شمار می روند؛ که نظرها و دیدگاه های آن ها تأثیر بسیاری در ظهور پست مدرنیسم داشته.

در تفکر پست مدرن به جهان شمول بودن اعتقادی نیست و این اعتقاد وجود دارد که تصور یا ایده هر فرد محترم است و اگر فردی توجیهی را برای عملکرد خود داشته باشد، عملکرد او قابل قبول است. به طور کلی می توان استدلال کرد که تفکر پست مدرن با هر گونه استاندارد کردن مخالف است (ایران زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۷). در پست مدرن هر فردی مرکز جهان خویش است. اصول عام و جهان شمول، جای خود را به اقرار می دهد (زیاری، ۱۳۸۳: ۴۳).

دستور کار پست مدرنیسم توجه خاصی دارد به کثرت گرایی و احترام به فرهنگ های محلی، که در برابر مدرنیزاسیون مقاومت می کنند. پست مدرنیسم به رسمیت شناختن تفاوت ها و طور دیگر بودن هاست. پست مدرنیسم در نگاهش به فرهنگ، آن را تکاملی می بیند و از چند مرجعی و چند عنوانگی در وزین ساختن گذشته، حال و آینده حمایت می کند. درکی است که دانستن را مایه قدرت می داند و معتقد است که در عصر الکترونیک، اطلاعات، باورها، نظریات، و سب کها بسیار سریع جابجا می شوند و باید تمایلات اغتشاش گرانه و مشابهه های نازلشان را از آنها زدود. جنبش پسامدرن، اگرچه واجد اصول مدون و یکپارچه ای نیست ولی به طور کلی بیانگر پیدایش مرحله جدیدی در تاریخ تمدن جامعه غربی است که در نهایت با نقد و تحلیل مدرنیسم و نوعی بازنگری در تجارب گذشته، در عین حال با نومییدی و سر خوردگی از وضعیت تمدن غربی همراه است و بنا به خصلت خود، با نظریه های بزرگ (روایت های کلان) مخالف است و یک جریان فکری منسجم نیست، بلکه مجموعه ای از اندیشه های رنگارنگ و متضاد است که در عرصه های مختلف علم، هنر، سیاست و جامعه شناسی به ظهور رسیده و به آسانی نیز، تن به تغییر و دگرگونی می دهد (کرایب، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

## ۳. شهرسازی و معماری مدرن و پست مدرن

مدرنیسم از نافذترین جریان معماری و شهرسازی غربی است که از ابتدای عصر پهلوی تاکنون در معماری ایران رواج داشته و گفت و گو از مدرنیته و مدرنیسم در شهرسازی به دو دلیل عمده مبرم و اجتناب ناپذیر شده است. نخست اینکه دوران مدرن؛ فرهنگ جهان شمولی را با خود به همراه آورده است که از آن گریزی نیست، تشابه فرم شهرها در نقاط مختلف گیتی و به



اعتباری تولد شهر عام و تحلیل شهر خاص شاهد این مدعاست، به همین دلیل توجه و اعمال نظر در مفهوم مدرنیسم و تأثیر آن بر شهرسازی به مفهوم عام در راستای استخراج روایت وطنی (ایرانی) آن به منظور اجتناب از برخورد ایدئولوژیک با سازمان فضایی کالبدی است. دلیل دوم این است که تبیین اجتماعی، اقتصادی دوره مدرن ایرانی و تبلور سازمان قضایی آن یعنی شهر است (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۴۹).

ورود اندیشه ی مدرن در زمینه ی شهرسازی، به طور جدی متأثر از اندیشه ی باغ شهر هاوارد است. افراد دیگری چون گارنیه با مطرح کردن طرح شهر صنعتی خود نیز، به طور جدی و عملی وارد این حوزه شدند. اقداماتی از این دست، یعنی طرح ریزی کلی یک شهر و سپس اجرای آن، از تولد حرفه ی شهرسازی مدرن خبر داد. در مدرنیسم کار معماری و شهرسازی بسیار ساده شد و تنها فرم های اصلی مانند مکعب، مخروط و استوانه مورد توجه قرار گرفت. به تعبیر پیشروان این سبک، از جمله لوکوربوزیه بافتهای قدیمی می بایست به کلی ویران می شد. وی طرحی برای تخریب کامل بخش، مرکزی پاریس ارائه کرد که در سایر کشورها نیز مشابه آن ارائه شد (جبری مقدم، ۱۳۸۴: ۱۸۰). مدرنیسم جنبشی بود که برنامه ریزی جزئی از آن است. این مکتب فکری برای مطالعات برنامه ریزی از یک جنبش اصلاحی در واکنش به شهرهای صنعتی قرن نوزدهم به وجود آمد. اولین برنامه ریزان مدرن با طرز تلقی های آرمانی، ایمان داشتند که در آینده باید مشکلات اجتماعی بشریت از فشار های کمیایی و حرص و طمع آزاد شود. معماران مدرن به نوبه خود درصدد برآمدند تا شهرهایی را طراحی کنند که کارایی صنعتی را بهبود بخشند و همچنین ما در مواجهه با کمبود برجسته مسکن، گونه های استاندارد شده ای را طراحی کنند که قابلیت تولید انبوه داشته باشند. پیچیدگی و ابتذال که از نتایج مهم مدرنیزاسیون شهری هستند در حال حاضر از توسعه توسعه بیشتر خود جلو گیری می کنند (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۲). در شهرسازی مدرنیستی تنها به ماشین و زندگی ماشینی قرن بیستم یعنی مکانیزاسیون و اتوماسیون توجه داشته و نه به نیازهای انسانی. شهر سازان مدرنیستی شهر را به بخش ها و کاربری های متفاوت تقسیم می کردند. مدرنیست ها به شدت حامی یکنواخت کردن فرم ها و فضاهای زیست بوده و هرگونه تنوع و تفاوتی را برخلاف اصول طراحی خود می دانستند (بحرینی، ۱۳۷۸: ۵۵).

بزرگترین نقاد مکتب مدرنیسم چارلز جنکس است، وی در کتاب زبان معماری فرا مدرن با انتقاد بسیاری، ساعت ۳:۲۳ بعد از ظهر روز ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۲ را که در آن گتوی پروئیت ایگو در سنت لوئیز آمریکا توسط مقامات شهر بدون تشریفات با دینامیت منفجر شد، زمان مرگ مدرنیسم اعلام کرد. جنکس مدرنیسم را به دلیل تک ظرفیتی بودن و تهی بودن از سطوح معنایی یا مفاهیم ماورا طبیعی سرزنش می کرد. وی به جای مدرنیسم ترکیبی از عناصر جدید و سنتی را با مفاهیم هنر بومی و هنر متعالی در ساخت و سازهای شهری پیشنهاد می کند. نوخرد گرایان به خصوص برادران کرایر در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از مکتب مدرنیسم به دلیل نابودی بافت تاریخی شهرهای اروپایی انتقاد می کردند (قبادیان، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

در دهه ۱۹۷۰ پست مدرن با شعاری با بار عاطفی و لحن سیاسی صریح بدل گردد و پیروان آن در دو جبهه از این واژه استفاده کردند. در یک طرف نو محافظه کاران بودند که می خواستند خود را از شر محتویات به اصطلاح مخرب فرهنگ بیگانه و متخاصم برهاند و به سنت های باز یافته روی آورند و در طرف دیگر برخی از منتقدان رشد اقتصادی بودند که در نظرایشان ساختمان نوین معماری مدرن، مظهر نابودی و برخاسته از مدرنیزاسیون (نوگرایی) بود. بدین ترتیب از معماری مدرنیسم به دلایلی چون تبدیل شهر ها به قوطی کبریتی بی روح و بدون ارتباط با محیط، وجود برج های اداری، فروشگاه های بزرگ و غول آسا، بناهای پرهیبت دانشگاه ها و مراکز کنفرانس، وجود ساختمان های بساز و بفروشی، انسان ستیزی و نبود مدنیت در شهرک های اقماری، تولید انبوه خانه های شبه سنگ با بال های شیب دار و سر انجام احداث خیابان های جدید که بافت سنتی شهر ها را از بین می برند، انتقاد شد (هابرماس، ۱۳۷۰: ۷۵). پست مدرنیست ها درگیر مسائل اجتماعی نیستند. مکتب پست مدرن، تأکید مدرنیستی بر خرد، نظم و هندسه را رد می کند و برای رسیدن به تنوع و تفاوت تقلا می کند. شهر سازان



پست مدرن بازگشت به خیابان های شهر، میادین و ساختمان های کم ارتفاع را تشویق می کنند و مشوق حرکت پیاده و تا حدودی کنترل خودروها در فضای شهر هستند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۸۶).

انتقاد عمومی نسبت به نتایج برنامه ریزی مدرنیستی این است که یکنواختی و عمومیت ذاتی آن، به طرح های یکنواخت کاربری زمین با تفکیک دقیق کاربری های متفاوت و یک چشم انداز بدون تنوع منجر شده است. برنامه ریزی نباید عامل ایجاد این وضعیت باشد. بلکه باید با آن مخالفت کند. بنابراین هدف باید تسهیل یک محیط ساخته شده شهری جذاب و قابل توجه باشد. به طوری که توسعه، کلاژی از فضاهای خیلی متفاوت، کاربری های مختلط زمین و تنوعی از چشم انداز است. برنامه ریزی پست مدرنیستی نسبت به سنت بومی و تاریخ محلی حساسیت دارد، در صورتی که برنامه ریزی مدرنیستی فاقد آن است. پست مدرنیسم موجب پیشرفت های متعددی در حرفه برنامه ریزی می شود. بعضی از موضوعات کلیدی که برنامه ریزی باید در عمل داشته باشد، عبارتند از: حساسیت، جامعیت، ساخت جامعه و جهت یابی کوچک مقیاس (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۳).

#### ۴. نتیجه گیری

همانطور که ذکر شد، بسیاری موارد مشترک میان مدرن و پست مدرن نظیر تکنولوژی، علم وجود دارد همانطور که اختلافات زیادی نیز دارند. در ذیل به اختلافات میان این دو پدیده می پردازیم.

در مدرنیسم، نگاه به سمت جهانی سازی و ارائه ی یک سبک زندگی برای همه ی جهان وجود دارد اما در نهضت پست مدرن نظر معطوف به محله و منطقه است یعنی نگاه بومی - محیطی می باشد. در شهرسازی مدرن، هدف ارائه ی یک طرح کلیست برای شهر که تمام مسائل آن را حل کند و حتی قابل اجرا در سراسر دنیا باشد حال آنکه در سمت دیگر، تلاش می شود تا با توجه به پارامترهای محلی و محیطی راه حلی فقط برای یک محدوده ی خاص پیشنهاد شود. مدرنیسم ارائه دهنده ی یک توتالیتیه ی مشخص است و مانیفست معلوم تا چهارچوبی مدون را مشخص کند اما پست مدرن تمام ابواب را باز گذاشته و اصطلاحاً خواننده را مهم می داند نه متن را و ارجح، نظر استفاده کننده است نه سازنده و طراح یعنی معانی متفاوت در مجموعه نهاده شده تا هرکس به اندازه ی درک خود برداشتی داشته باشد که البته طبق نظر این نهضت، این برداشت درست است. بطور کل می توان گفت مدرنیسم حرف خود را می زند و فقط برداشت یک معنی را درست می داند که همان عقیده ی مدرنیستی است اما در مقابل، پست مدرن، به کاربر ارزش نهاده و برداشت او را مقدم می داند. در شهرسازی مدرن مسائلی همچون حاشیه نشینی و معضلات دیگر مهم نیستند و فقط ارائه ی طرحی منظم را اساس کار خود می داند حال آنکه در جبهه ی مقابل، تلاش می شود تا مشکلات کوچک حل شود و از برداشتن گامی بصورت طرح تفصیلی خودداری می کند و می خواهد کاربران شهر خود را بسازند نه اینکه شهر به کاربران تحمیل شود و معضلات این حس عدم تعلق را بوجود آورد حال آنکه، عدم داشتن روح شهری و عدم حس تعلق به محیط در شهرهایی که به سبک مدرن طرح شده اند بیشتر پدید می آید. به هر روی، تمام اتفاقات نتیجه ی پیشروی مدرنیسم است و همین امر سبب شده تا نقاط ضعف و قوت این نگاه که گاهی تندروی هم در خود داشته، اصلاح شود و در قالب بازتری همچون پست مدرن ارائه گردد.

#### منابع

۱. احمدی، بابک، (۱۳۸۳)، از نشانه تصویری تا متن: به سوی نشانه شناسی ارتباط دیداری. نشر مرکز، تهران
۲. بحرینی، سید حسین، (۱۳۷۸)، تجدد، پست مدرنیسم و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳. بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی، کیهان، تهران



۴. پوراحمد، احمد، فرجی ملایی، امین، منوچهری ایوب، عظیمی زاده، (۱۳۹۰)، تاثیرمدرنیسم بر توسعه فضایی کالبدی شهرهای ایرانی اسلامی، فصلنامه شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی، شماره ۶
۵. جابری مقدم، هادی، (۱۳۸۴)، شهر و مدرنیته، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران
۶. جهانگلو، رامین، (۱۳۸۰)، نگاهی کوتاه به مفهوم پسامدرنیسم، سبک نو، شماره اول، سال دوم
۷. جنکز، چارلز، (۱۳۷۶)، پست مدرنیسم چیست، ترجمه: فرهاد مرتضایی، چاپ اول، نشر مردنیز، تهران
۸. زرشناس، شهریار، (۱۳۸۳)، مبانی نظری غرب مدرن، کتاب صبح، تهران
۹. زیاری، کرامت اله، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیرات مدرنیست و پست مدرنیست در جغرافیا، شهرسازی و برنامه ریزی شهری، همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
۱۰. زیاری، کرامت اله، (۱۳۸۳)، مکتب ها نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد
۱۱. شفیعی، حسن، (۱۳۷۹)، پست مدرنیسم در شهرسازی، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، تهران
۱۲. قبادیان، وحید، (۱۳۸۲)، معماری معاصر غرب: دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران
۱۳. کرایب، یان، (۱۳۷۸)، نظریه های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه: عباس مخبر
۱۴. گبینز، جان، (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته. ترجمه: منصور انصاری، گامنو، تهران
۱۵. مدنی پور، علی، (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری، ترجمه: فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۱۶. مزینی، منوچهر، (۱۳۷۶)، از زمان و معماری، انتشارات مرکز مطالعه و تحقیق شهرسازی و معماری ایران، تهران
۱۷. ملاخیلی، روح الله، (۱۳۹۴)، نظریه های مدرنیسم و پست مدرنیسم در سازمان، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری
۱۸. هابرماس، یورگن، (۱۳۷۰)، معماری مدرن، ترجمه: ترانه یلدا، مجله آبادی، سال اول، شماره سوم